



دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه :

بررسی عناصر فرهنگی، اجتماعی در

دفتر اول مثنوی معنوی

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته: زبان و ادبیات فارسی

دانشجو: حسن رنجبر

استاد راهنما: دکتر علی محمد پشدار

استاد مشاور: دکتر فاطمه کوپا

سال ۱۳۸۷

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده:.....
۲	فصل اول:.....
۲	کلیات.....
۳	مقدمه:.....
۴	۲-۱- بیان مسأله و پرسش‌های تحقیقاتی:.....
۴	۳-۱- سوالات تحقیق.....
۴	۴-۱- اهداف پژوهشی:.....
۴	۵-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش:.....
۴	۶-۱- مرور مطالعاتی و روش تحقیق:.....
۴	۱-۶-۱- مقدمه.....
۵	۲-۶-۱- مرور مطالعاتی:.....
۵	۳-۶-۱- روش تحقیق:.....
۶	۴-۶-۱- جامعه پژوهش:.....
۷	فصل دوم:.....
۷	تجزیه و تحلیل داده‌ها.....
۸	۱-۲- عناصر فرهنگی و اجتماعی چیست؟.....
۸	۲-۲- عناصر فرهنگی و اجتماعی در زبان مولانا.....
۹	۳-۲- فرهنگ و اجتماع.....
۹	۴-۲- مفهوم فرهنگ.....
۱۱	۵-۲- جلوه‌های مختلف فرهنگ:.....
۱۱	۶-۲- حوزه و گستره فرهنگ:.....
۱۲	۷-۲- تعاریف و سطوح فرهنگ:.....
۱۳	۸-۲- سطوح فرهنگ:.....
۱۵	۹-۲- فرهنگ پویا و زاینده:.....
۱۵	۱۰-۲- تبادل فرهنگی.....
۱۶	۱۱-۲- تحول فرهنگی.....
۱۶	۱۲-۲- تداوم فرهنگی.....
۱۶	۱۳-۲- تهاجم فرهنگی.....
۱۶	۱۴-۲- علل جامعه شناختی تهاجم فرهنگی.....
۱۶	۱۵-۲- سلطه فرهنگی.....
۱۷	۱۶-۲- خالق و حامل فرهنگ.....

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۷	۱۷-۲- فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی
۱۸	فصل سوم:
۱۸	واژگان و اصطلاحات فرهنگی، هنری و ادبی
۱۹	۳- ۱ بخش اول - اصطلاحات ادبی و هنری
۲۰	۳-۱-۱- طنز، هجو، هزل
۲۲	۳-۱-۱-۲- ضرب المثل
۲۸	۳-۱-۱-۳- کنایات
۳۳	۳-۱-۲- اصطلاحات هنری
۳۳	۳-۱-۲-۱- اصطلاحات موسیقی
۳۵	بخش دوم:
۳۶	۳-۲-۱- عناوین علمی آموزشی
۳۹	۳-۲-۲- اصطلاحات فلسفی
۴۳	۳-۲-۳- اصطلاحات نجوم و خلقت جهان
۵۱	۳-۲-۴- علوم غریبه
۵۴	۳-۲-۵- علم و مشتقات آن
۵۷	۳-۲-۶- اصطلاحات طب و امراض و نواقص بدنی
۶۹	بخش سوم: واژگان و اصطلاحات دینی و عرفانی
۷۰	۳-۳-۱- اصطلاحات قرآنی
۹۷	۳-۳-۲- اصطلاحات احادیث
۱۱۱	۳-۳-۳- اصطلاحات دینی
۱۲۵	۳-۳-۴- اصطلاحات عرفانی
۱۳۴	بخش چهارم: واژگان و اصطلاحات اجتماعی
۱۳۵	۳-۴-۱- مردم و گروه‌های جمعیتی
۱۳۶	۳-۴-۲- گروه‌های جمعیتی
۱۳۸	اقوام، عقاید، باورها و رسوم
۱۳۸	۳-۴-۳- ادیان و ملت‌ها (ملل و نحل)
۱۴۱	۳-۴-۴- اقوام
۱۴۴	۳-۴-۵- آداب و رسوم
۱۵۶	۳-۴-۷- باورهای عامیانه
۱۵۸	۳-۴-۸- مناصب حکومتی
۱۶۲	۳-۴-۹- مناصب اجتماعی و مشاغل

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۶۸	۱۰-۴-۳-لباس و جامه
۱۷۱	۱۱-۴-۳-خوراکی‌ها
۱۸۰	۱۲-۴-۳-وسایل زندگی
۱۹۲	۱۳-۴-۳-اشیاء قیمتی و زیورآلات
۱۹۵	۱۴-۴-۳-اصطلاح بازیها
۱۹۶	۱۵-۴-۳-اصطلاحات اقتصادی
۱۹۹	۱۶-۴-۳-برده و غلام
۲۰۰	۱۷-۴-۳-القاب و کنیه‌ها
۲۰۲	۱۸-۴-۳-اصطلاحات باستانی
۲۰۳	۱۹-۴-۳-اصطلاح شکار
۲۰۶	۲۰-۴-۳-اصطلاحات درباری (حکومتی)
۲۰۸	۲۱-۴-۳-تأسیسات
۲۱۴	۲۲-۴-۳-اصطلاحات قضایی
۲۱۷	۲۳-۴-۳-مزه‌ها
۲۱۹	۲۴-۴-۳-مواد معطر
۲۲۰	۲۵-۴-۳-اصطلاحات شراب و می
۲۲۲	بخش پنجم: اصطلاحات نظامی
۲۲۳	۱-۵-۳-اصطلاحات نظامی
۲۳۰	فصل چهارم
۲۳۰	نتیجه‌گیری
۲۴۶	تحلیل آماری واژه‌ها و اصطلاحات استخراج شده
۲۴۹	فهرست واژگان
۲۶۶	منابع و مأخذ

نام خانوادگی: رنجبر نام: حسن

عنوان پایان نامه: بررسی عناصر فرهنگی، اجتماعی در دفتر اول مثنوی معنوی

استاد راهنما: دکتر علی محمد پشتدار

استاد مشاور: دکتر فاطمه کوپا

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: زبان و ادبیات فارسی دانشگاه: پیام نور مرکز تهران

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی تاریخ فارغ التحصیلی: تعداد صفحات

چکیده:

عناصر فرهنگی و اجتماعی بکار رفته در مثنوی مولوی بیان کننده آراء و عقاید مولانا و وضعیت اجتماعی و افکار، عقاید و آداب و رسوم آن زمان است. بنابراین بررسی این عناصر، راهگشای شناخت بهتر و همه جانبه وضعیت فرهنگی اجتماعی حاکم بر آن دوره خواهد بود.

کلید واژه‌ها: فرهنگ، اجتماع، جلال الدین محمد مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول.

فصل اول:

کلیات

مقدمه:

مولانا کتاب مثنوی معنوی را با یاد عهد الست آغاز می‌کند و از وطنی سخن به میان می‌آورد که از آنجا جدا شده و نغمه‌های عاشقانه سر می‌دهد و طالب وصل به آن مبدأ الهی است و عشق را یگانه بال پرواز به سوی کمال مطلق می‌داند و معتقد است همانطور که کیمیا از وجود مس، طلا می‌سازد؛ عشق با وجود انسانها چنان می‌کند که آدمی را از ثریا به ثریا و از عالم خاک به افلاک می‌برد.

او باتسلط بر قرآن و احادیث و حکمت و عرفان در قالب هنر مؤثر و ماندگار شعر پارسی به کالبد شکافی هنرمندانه و عالمانه سه موضوع می‌پردازد.

۱- وجود پیچیده انسان به عنوان اشرف مخلوقات را می‌شناساند و دست آدمیان را می‌گیرد تا به خودشناسی برسند.

۲- از تمثیل‌ها و داستانها و افسانه‌ها برای تقویت به ذهن نمودن غامض‌ترین مسائل خداشناسی استفاده می‌کند.

۳- به دین‌شناسی و روانشناسی براساس معارف والای دینی می‌پردازد، در زمانه‌ای که زهدفروشی و بسنده کردن به ظواهر دین از سویی و صوفی‌نمایان شکم‌پرور و جاه‌طلب از سوی دیگر حقیقت دین را به بازی گرفته بودند.

او معتقد است هر چیزی که رنگ خدا را بگیرد ابدی و ماندگار خواهد شد و هرکس با خدا معامله‌ای از سر صدق نماید به سودی سرمدی دست می‌یابد و اول قدم وارد شدن در این معامله «ندیدن خود» است. زیرا بزرگترین حجاب مَنیت خود آدمی است.

بزرگ‌ترین پیام مثنوی مولانا یگانه دین کل کائنات است که این یگانه نشأت گرفته از وجود یگانه عالم است.

مثنوی ما دکان وحدت است
غیر واحد هر چه بینی آن بت است (دفتر ششم)

پیام دیگر مولانا در این است که اگر ظرف وجود آدمی با یاد حق و مشغول شدن به او پُر نشود، با غفلت از حق که خود باطل است پُر خواهد شد.

مولانا تمام هستی را مظهر وجود حق تعالی می‌بیند و از آنجا که هر چیزی به ضد خود شناخته می‌شود و نیستی برای آدمیان قابل تصوّر نیست، لذا شناخته شدن خدا به ضد خودش ممتنع است.

و آخر اینکه مولانا معتقد است که ای انسانها در کجا به دنبال خدا می‌گردید. عالم محضر خداست و شما بزرگترین جلوه حق تعالی هستید. از می حضور باشکوه او دائماً سرمست شوید و لحظه‌ای را جز به یاد او بسر نبرید.

۱-۲- بیان مسأله و پرسش‌های تحقیقاتی:

برای شناخت جوامع انسانی در هر دوره زمانی، با بررسی و تجزیه و تحلیل آثار ادبی آن جوامع می‌توان به شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن ادوار پی برد. بنابراین بررسی و شناخت عناصر فرهنگی و اجتماعی آثار مولانا ما را در شناخت هرچه بهتر اوضاع اجتماعی و فرهنگی آن عصر توانا می‌کند.

۱-۳- سوالات تحقیق

- ۱- تعریف ما از فرهنگ و بررسی محدوده عناصر فرهنگی و اجتماعی در مثنوی مولانا چیست؟
- ۲- عناصر فرهنگی و اجتماعی در مثنوی مولوی کدامند؟
- ۳- فراوانی و بسامد هریک از این عناصر به چه میزانی است؟
- ۴- بکارگیری مولانا از این عناصر و میزان فراوانی آن چه ارتباطی با اوضاع اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی زمان مولانا دارد.

۱-۴- اهداف پژوهشی:

استخراج عناصر فرهنگی و اجتماعی از دفتر اول مثنوی معنوی و مشخص نمودن بسامد این عناصر

۱-۵- اهمیت و ضرورت پژوهش:

- ۱- هموارساختن مسیر تحقیق پژوهشگران ادبیات - جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی و زبان‌شناسی.
- ۲- شناخت مولانا و اندیشه‌ها و جهان‌بینی او.
- ۳- شناخت ویژگی‌های اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی عصر مولانا.

۱-۶- مرور مطالعاتی و روش تحقیق:

۱-۶-۱- مقدمه

هر اثری از آثار بشری به نسبت بضاعت علمی پدیدآورنده آن اثر خالی از ضعف و اشکال نبوده و نیست. اثر پیش رو نیز از این قانون مستثنی نبوده و هرچند زمانی طولانی جهت گردآوری آن صرف شده از اشکال خالی نیست، لذا از منتقدین این اثر انتظار است تا اینجانب را از نظرات اصلاحی و ارشادی خود بی بهره نمایند.

در این تحقیق مبنای کار و شماره‌گذاری بیت‌های دفتر اول مثنوی (با تعداد ۴۰۱۸ بیت) براساس «شرح مثنوی عبدالباقی گولینارلی، ترجمه توفیق م. سبجانی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، پاییز ۱۳۸۱، خواهد بود.

بنابر این در متن پایان نامه، جهت ارجاع دادن به این کتاب، اختصاراً از عنوان «دفتر اول» یاد می‌شود و از کتاب شش جلدی «فرهنگ دکتر محمد معین» چاپ هشتم - ۱۳۷۱ - چاپخانه سپهر تهران، اختصاراً با عنوان «فرهنگ معین» یاد خواهد شد. در این تحقیق و بررسی منحصراً متن اشعار دفتر اول مثنوی معنوی مورد بررسی واقع گردیده و عناوین اشعار مستثنی هستند.

۱-۶-۲- مرور مطالعاتی:

در این پژوهش دفتر اول مثنوی مولوی مورد بررسی واقع شده و عناصر فرهنگی و اجتماعی آن نشانه‌گذاری و استخراج گردید و برای رفع اشکالات چاپی و غلط‌های احتمالی مقابله‌هایی با نسخه‌های دیگر صورت گرفت.

۱-۶-۳- روش تحقیق:

راهبرد: کتابخانه‌ای

رویکرد: تحلیل محتوی

روش و ابراز گردآوری اطلاعات:

۱- یادداشت برداری از مفاهیم فرهنگی و اجتماعی بکار رفته در دفتر اول مثنوی معنوی.

۲- سپس از عناصر فرهنگی و اجتماعی فهرستی به تفکیک موضوع استخراج می‌شود.

۳- با استفاده از این فهرست به تحلیل محتوا خواهیم پرداخت.

با توجه به موضوع تحقیق که مربوط به یکی از شاهکارهای ادبیات گذشته فارسی است، روش تحقیق تاریخی است؛ و بهترین راه برای موضوعی از این قبیل، راهبرد کتابخانه‌ای است. بدین جهت در این پژوهش برای جمع‌آوری اسناد و اطلاعات فیش برداری به عمل آمد.

در این روش در وهله اول، کل دفتر اول مثنوی معنوی با نگاه ویژه به عناصر فرهنگی و اجتماعی مورد مذاقه و بررسی قرار گرفت و در این راستا عناصر فرهنگی و اجتماعی نشانه‌گذاری گردید. برای رفع اشکالات چاپی و اغلاط احتمالی بین چند نسخه در دسترس مقابله‌هایی صورت گرفت. بنابر اقتضا به شروح مثنوی و لغت‌نامه‌ها و منابع و مقالات معتبر مرتبط با موضوع مراجعه شد و در

مرحله دوم فیش برداری انجام گرفت؛ سپس فیش‌ها برحسب موضوع دسته‌بندی و تفکیک شده؛ و در ادامه در مراحل بعدی با توجه به تصحیح، رهنمودها و نظرات سازنده استاد محترم راهنما، مطالب تنظیم گردید و تألیف پایان‌نامه به فضل و مدد الهی به انجام رسید.

۱-۶-۴-جامعه پژوهش:

هدف اساسی این تحقیق شناسایی و معرفی عناصر فرهنگی و اجتماعی دفتر اول مثنوی معنو جلال‌الدین محمد مولوی است. بنابر این برای تحقق این معنا، دفتر اول مثنوی معنوی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت

فصل دوم:

تجزیه و تحلیل داده‌ها

۲-۱- عناصر فرهنگی و اجتماعی چیست؟

در یک نگاه کلی می‌توان عوامل و عناصری که در شکل‌گیری اجتماع، فرهنگ و تمدن بشری دخالت دارند، عنصر فرهنگی یا اجتماعی گفت. به عبارتی دیگر تمام عناصری که انسان‌ها با آن سر و کار دارند، در این دایره می‌گنجد؛ البته با عیار و غلظت‌های متفاوت.

حال در بررسی عناصر فرهنگی، اجتماعی در دفتر اول مثنوی معنوی (همین تحقیق) سعی شده است، عناصری استخراج و برجسته‌نمایی شود که در فرهنگ و اجتماع، نقش پررنگ‌تری داشته و می‌تواند راهکاری راهبردی در شناخت مثنوی معنوی و خداوندگارش باشد. برای تعریف و درک بهتر عناصر فرهنگی، اجتماعی ابتدا لازم است با دیدگاه‌های صاحب نظران در این مورد بیشتر آشنا شویم

۲-۲- عناصر فرهنگی و اجتماعی در زبان مولانا

تمام عوامل و عناصری که در شکل‌گیری فرهنگ و تمدن و اجتماع بشری دخالت دارد به اعتباری «عصر فرهنگی و اجتماعی» نامیده می‌شود و مثلاً آثار معماری و ابنیه تاریخی هر چند از گل و سنگ و ساروج ساخته شده ولی طراحی - ساخت - معماری - نقاشی سطوح آن اشکال هندسی آن حکایت از افکار - عقاید - علوم - آرزوها و آمال سازندگان آن بناهای تاریخی است. بنابر این بررسی تمام عناصری که به شکلی با فرهنگ و اجتماع مربوط می‌شود، می‌تواند ما را در شناخت هر چه بهتر مولانا - افکار او و جامعه آن زمان - رهنمون گردد.

در بررسی عناصر فرهنگی، اجتماعی دفتر اول مثنوی معنوی سعی شده عناصری استخراج و مورد بررسی بسامدی واقع شود که در فرهنگ و اجتماع نقش پررنگ‌تری داشته و در شناخت مولانا و اثر ماندگار او مؤثرتر باشد.

در این تحقیق مبنای کار و شماره‌گذاری بیت‌های دفتر اول مثنوی (با تعداد ۴۰۱۸ بیت)، براساس «شرح مثنوی عبدالباقی گولپینارلی، ترجمه توفیق م. سبحانی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۱، می‌باشد. هر چند تلاش‌های نگارنده این سطور بر این بوده است که سخنی به گزاف و یا غیرمستند گفته و آورده نشود و هر چه می‌نویسد بر طریق حق و اعتدال باشد، اما با این وجود خود را بری از خطا و غفلت نمی‌داند بلکه محتاج تذکار نکته‌سنجان می‌شناسد:

قباگر حریرست و گر پرنیان بناچار حشوش بود در میان (سعدی)

مولانا در مثنوی از همه جا و همه چیز که تا بدان روز آشنا بوده و یا به خیالش می‌رسیده سخن به میان آورده است. با این مشخصه که به دور از عینک خودبینی و بدبینی، همه چیز را با صبغه و رنگ الهی می‌نگرد و از تمام گفته‌ها و نوشته‌ها جز نشانی دادن و راه نمودن به حضرت دوست هدفی را تعقیب نمی‌کند.

مثنوی، مجموعه نسبتاً کامل و مثال کوچکی از دنیای واقعی و جهان افکار و اعتقادات مولانا است. به دکان عطاری می‌ماند که، درمان دردهای روحی و معنوی در آن فراهم آمده است:

مثنوی ما دکان وحدت است
غیر واحد هر چه بینی آن بت است (دفتر ششم)
مولانا چون طیب، دوار، مرشدی راه‌شناس، نقاشی زبردست از هر آنچه خدا آفریده، از پدیده‌های طبیعی، از جلوه‌های متنوع و منشور رنگارنگ عالم خلقت و تمثیلات خیال‌انگیز و حکایت‌های تاریخی، بنا به تناسب و ضرورت کمک می‌گیرد و در این سرالی الهه، از هر کدامشان وسیله‌ای برای هدایت و اصلاح، و تابلویی برای گم‌نشدن راه و مسیر می‌سازد و در پیش رو قرار می‌دهد.

گر شدی عطشان بحر معنوی
فرجه‌ای کن در جزیره‌ی مثنوی (دفتر ششم ب ۶۷)
و از تمام این‌ها هدفش حصول انقلاب درونی و رخداد مبارک انقطاع الی الله است:

از مقامات تبتل تا فنا
پایه پایه تا ملاقات خدا (دفتر سوم)

۲-۳- فرهنگ و اجتماع

فرهنگ نماد هویت ملت هاست و تعریف‌های زیادی برای فرهنگ ارائه شده است. عامل مشترکی که همه تعریف‌ها را به هم مربوط می‌سازد، این است که فرهنگ پدیده‌ای اجتماعی است و نه بیولوژیک. بدین سان فرهنگ شامل تمامی رفتارها، هنجارها، و ارزش‌های اجتماعی می‌شود. به سخن دیگر فرهنگ هم شامل هنرهای متعالی همچون ادبیات، موسیقی، نقاشی و هم شامل آداب و رسوم روزمره است.

در یک تعریف ساده، از فرهنگ به عنوان میراث ملی یاد شده است. یک تعریف دیگر آن است که فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای متضمن معلومات، معتقدات، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم، قابلیت‌ها و عادت مکتسبه انسان‌ها می‌باشد.

(با تلخیص و تصرف از سایت اینترنتی <http://yazarloo.com/post-85> / aspx62.blogfa.com)

تاکنون تعاریف بسیاری در زمینه فرهنگ ارائه شده است شاید بتوان بر روی عناصر مشترک آنها تأکید کرد. فرهنگ در کلی‌ترین حالت آن، بر مجموعه پیچیده‌ای از خصوصیات احساسی، فکری، مادی و غیرمادی اطلاق می‌شود که به عنوان شاخص یک جامعه یا گروه اجتماعی مطرح می‌شود که این نه فقط شامل هنرها و آثار ادبی است بلکه اشکال مختلف زندگی، حقوق بنیادین انسان‌ها، نظام‌های ارزشی و اعتقادات را نیز دربر دارد.

* * *

۲-۴- مفهوم فرهنگ

فرهنگ عبارت است از مجموعه‌ای از آداب و رسوم و میراث فرهنگی و دینی و باورها و ارزشهای یک ملت و معرف تمام ویژگی‌های فکری، معنوی، عاطفی است که یک جامعه یا گروه را از دیگران متمایز می‌سازد و نه تنها هنر و ادبیات بلکه شیوه زندگی، نظام‌های ارزشی و باورها را نیز شامل می‌شود.

گزارش یونسکو در مکزیک، بررسی سیاست‌های فرهنگی در جهان، ۱۹۸۲

فرهنگ فرایند برنامه‌ریزی جمعی ذهن ماست، فرهنگ مانند کوه یخ شناور به روی آب تنها $\frac{1}{8}$ آن در نگاه اول و به صورت

عادی رؤیت می‌شود و $\frac{V}{A}$ آن به سادگی قابل رؤیت نیست.

فرهنگ یک امر معنوی است مانند روحی که در رفتارها و نگرش‌ها و برخوردها و سایر شئون افراد جامعه دیده می‌شود. یک امر اجتماعی است و مربوط به یک فرد نیست بلکه مربوط به یک گروه، قشر یا قوم است. امری سیال است قابلیت رشد، ارتقاء، انحطاط و یا ابتدال دارد. امری مقطعی و خلق‌الساعه نیست ضمن اینکه تغییرپذیر است ولی جنبه موروثی آن بسیار قوی و بارز است. فرهنگ پایدارترین وجه جامعه است و تغییرات آن کند است و یک شبه تغییر نمی‌کند.

در تعریفی دیگر: فرهنگ عبارت است از یک کل منسجم که اجزای گوناگون آن با یکدیگر مرتبط و پیوسته‌اند.

جامعه‌شناسی، نقوی، سیدعلی محمد، سال سوم آموزش متوسطه (ادبیات)، وزارت آموزش و پرورش، صفحه ۶۰

فرهنگ:

عبارتست از مجموعه عادات، دانسته‌ها، اندیشه‌ها و عاطفه‌های مردم و همچنین تثبیت و مادیت این‌ها در فنون تولید و خدمات روزمره در سطوح آموزشی و نهادهای اجتماعی که زندگی اجتماعی را تنظیم می‌کنند در دستاوردهای علمی و فنی در آثار هنری و ادبی، فرهنگ در شرایط تاریخی شکل می‌گیرد.

نقدی بر جامعه‌شناسی، صفحه ۱۲۰، کامرانی، حشمت‌الله و ع نوریان (مترجمین)، تهران، شبگیر، بی‌تا.

گاهی کسانی با فرهنگ به شمار می‌روند که دارای تحصیلات و اطلاعات وسیعتری هستند.

جامعه‌شناسی عمومی، محسن منوچهر، تهران، طهوری، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۴، صفحه ۲۰۳

فرهنگ ضعیف مربوط به آن نظام آموزشی است که از ساختن انسان و کشف استعدادها و تربیت آنها عاجز باشد. مبانی

فرهنگ درجهان سوم، حاج سید جوادی، علی اصغر، انتشارات توس، چاپ سوم، ۱۳۴۹، صفحه ۳۳

بهترین فرهنگ:

فرهنگی است که حامل تمامی دانایی‌های فکری و ذهنی و بالفعل یعنی موجود و بالقوه یعنی قابل کشف تمدن انسانی در میان یک جامعه باشد.

مبانی فرهنگ جهان سوم، حاج سیدجوادی، علی اصغر، انتشارات توس، چاپ سوم، ۱۳۴۹، صفحه ۳۱

نقش فرهنگ:

هر جامعه‌ای فرهنگ و ارزشها و معیارها و نظامات خاص خود را دارد و افراد جامعه با توسل به این ارزشها و معیارها نیازها و خواسته‌های خودشان را سامان می‌دهند. فرهنگ یک جامعه باعث می‌شود که افراد جامعه با یکدیگر احساس همبستگی کنند این جریان بقای جامعه را تضمین می‌کند و فرهنگ جامعه باعث تکوین شخصیت در افراد جامعه می‌شود به این معنا که شخصیت افراد را فرهنگ همان جامعه سازمان می‌دهد.

مبانی جامعه‌شناسی، سیف‌اللهی، سیف‌الله، انتشارات دانشگاه تهران، پیام نور، ۱۳۶۹، صفحه ۲۵۰

۲-۵- جلوه‌های مختلف فرهنگ:

با این نگاه به فرهنگ (امر معنوی متجلی در حوزه امر طبیعی)، فرهنگ را می‌توان به چند وجه تقسیم نمود

۱- فرهنگ درونی شده

جایگاه اصلی معانی، ذهن افراد است. حیات درونی افراد در عین حال که خاستگاه معانی است، حامل معانی هم می‌باشد؛ فرهنگ در این حوزه نشو و نما می‌کند؛ تغییر می‌یابد و.... اما خود ذهن، محصول فرهنگی است که آموخته می‌شود و بعد از دوره اکتساب حامل فرهنگ و گاه مولد آن شود. این وجه فرهنگ را می‌توان «فرهنگ درونی شده» نامید. اموری چون اعتقاد، ارزش‌ها و گرایش‌ها که به عنوان فرهنگ یا بخشی از آن یاد شده است، حوزه‌ای از فرهنگ است که جایگاه اصلی آن درون یا موردذهنی افراد است که در قالب نمادها، همراه با تربیت، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود

۲- فرهنگ نمادی

هنگامی که فرهنگ در قالب نمادها ظاهر می‌شود، که از طریق آن تفهیم و تفهم و آموزش انجام می‌گیرد، این فرهنگ با عنوان «فرهنگ نمادین» مشخص می‌گردد. آثار هنری، کتاب و نوشته از این نوع است.

۳- فرهنگ نهادی

شکل دیگر بروز فرهنگ (معنی) بروز آن در رفتار فرد است. رفتار افراد در جامعه در ترکیب با هم و رسوب شدن در طی زمان اشکالی از رفتار را تثبیت می‌کند که به آن «فرهنگ نهادی شده» گویند.

۴- فرهنگ متبلور

فراتر از این‌ها، فرهنگ از طریق رفتار، تنها در قالب نهادها که معنوی هستند و شکل رفتار را تعیین می‌کنند، تبلور نمی‌یابد. تغییراتی که انسان در طبیعت ایجاد می‌کند، از جمله ابزار و آثار، آنها هم ذهنیت انسان‌ها (معانی) را در خود حفظ می‌کند. این مجموعه را می‌توان «آثار فرهنگی» نام نهاد که شامل ابزارها هم می‌شود.

۲-۶- حوزه و گستره فرهنگ:

با این تلقی، مفهوم فرهنگ کل حوزه زندگی انسانی را در بر می‌گیرد و مفهومی ویژه علوم اجتماعی نیست. بلکه فرهنگ موضوع کار فلاسفه و علمای رشته‌های مختلف است.

براین اساس اگر بخواهیم تعریف تایلور را، که تعریف معمولی است، تحلیل کنیم، باید گفت تعریف وی تعریفی مصداقی

است که مصداق های مختلف فرهنگ را در تعریف آورده است.

بیان ویژگی هایی چون اکتسابی بودن، عام بودن و نظایر این ها، که عمدتاً در تعریف و یا بیان خصوصیات فرهنگ یاد می شود، و جوهی صوری است و نه محتوایی که اگر چه حوزه فرهنگ را از سایر حوزه ها تفکیک می کند، اما فرد را در حوزه وسیعی از پدیده های ناهمگون (از اعتقاد و ارزش تا معماری و ابزار تولید) رها می سازد (احمد رجب زاده) فصلنامه «فرهنگ عمومی».

شماره ۷، نقل با تلخیص و تصرف

۲-۷- تعاریف و سطوح فرهنگ:

تعریف فرهنگ امری مشکل و پیچیده است. تعریف های زیادی برای فرهنگ ارائه شده است. تایلور معتقد است: «فرهنگ یا تمدن... آن کل پیچیده ای است که دانش، باور، هنر، قوانین، اخلاقیات، رسوم و هرگونه قابلیت ها و عادات دیگری را شامل می شود.»

مفهوم فرهنگ مرکب از دو جزء «فر» و «هنگ» است. که «فر» به معنی بالا و جلو و «هنگ» به معنی قصد کردن، کشیدن و آوردن است. در زبان علمی جامعه شناسی در ایران و در «فرهنگ» معادل مفهوم لاتین (culture) به کار گرفته شده که در اصل به معنی کشت و زراعت بوده است.

از مفهوم فوق چنین استنباط می شود که به نظر می رسد در تعریف فرهنگ باید مفهوم رشد و تعالی انسان به عنوان هدف این مجموعه منسجم و منظم ذکر شود. بنابراین می توان چنین گفت که فرهنگ نظامی است نسبتاً منسجم متشکل از اجزایی غیر مادی شامل: ارزش ها، هنجارها، نمادها، باورها و اعتقادات، آداب و رسوم، دانش و اطلاعات رایج و هنرها و اجزایی مادی شامل کالاهای مصرفی، ابزارها (تکنولوژی)، و میراث فرهنگی نسبتاً مشترک بین اعضاء یک گروه، اجتماع یا جامعه که از طریق یادگیری از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود (پناهی، ۱۳۷۵، ص ۹۶) و موجبات رشد و تعالی انسان را فراهم می آورد. علامه جعفری در کتاب خود با عنوان «فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو» می نویسد:

(می توان اثبات کرد که جامع مشترک همه ی تعاریف فرهنگ دارای عنصر بایستگی و شایستگی، کمال، ترقی مادی و معنوی، کرامت، حیثیت، شرف ذاتی انسان، حیات شایسته و آزادی مسئولانه و عدالت در اجرای حقوق و قوانین است. (علامه

جعفری، ۱۳۷۹، ص ۱۳۰)

(ایشان در کتاب خود فرهنگ را این چنین تعریف می کنند: «کیفیت یا شیوه های بایست و یا شایسته برای آن دسته از فعالیت های حیات مادی و معنوی انسانی که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات صعود کرده آنان در حیات معقول تکاملی باشد.»

ریموند ویلیامز، مفهوم فرهنگ را مشتمل بر چهار جزء معنادار و به هم پیوسته می داند:

۱- حالتی عمومی یا عادت ذهنی که ارتباطاتی نزدیک با ایده کمال بشر دارد؛

۲- حالت عمومی رشد فکری جامعه به عنوان یک کلی؛

۳- پیکره کلی هنرها؛

۴- کلیه روش‌های مادی، فکری و معنوی زندگی [یونسکو، ۱۳۷۹: ۷].

بر اساس نظریات «هافستد»، «ترومپنارس» و «چین کوتا» و «رونکانین» برنامه‌ریزی‌های فرهنگی شامل دسته قابل ملاحظه‌ای از عوامل می‌شوند که عبارتند از:

- زبان (هم کلامی و هم غیرکلامی)

- اقتصاد

- مذهب

- سیاست

- نهادهای اجتماعی، قشربندی اجتماعی، طبقات و ساختار خانواده

- ارزش‌ها

- نگرش‌ها و گرایش‌ها

- آداب

- رسوم

- اقلام مادی زندگی

- زیبایی‌شناسی

- آموزش و پرورش [فرهنگی، ۱۳۷۷].

۲-۸- سطوح فرهنگ:

سطح فرهنگ، به درجه‌ای اشاره می‌کند که پدیده فرهنگ برای مشاهده‌کننده قابل رویت است. از نظر شاین برخی از اختلافات در تعریف فرهنگ به عدم تمیز بین سطوح فرهنگ باز می‌گردد (Schein, 1992:18). برخی از جامعه‌شناسان، فرهنگ را متشکل از دو جزء مادی و غیرمادی می‌دانند که بین این دو جزء و اجزای کوچکتر آنها روابط متقابل وجود دارد، اما این روابط به صورت همبستگی کامل و مکانیکی نیست که هر نوع تغییر در یکی، به همان اندازه در دیگری نیز منعکس شود. (کوئن ۱۳۷۱: ۵-۴۳)

ریچارد دفت فرهنگ را در دو سطح مطرح، و آن را به کوه یخ شناور تشبیه می‌کند:

۱- ارزش‌های قابل رویت که سطح بیرونی و بالایی کوه را تشکیل می‌دهد. در این سطح پدیده‌های قابل مشاهده مثل محیط فیزیکی، شیوه‌های رفتار افراد، نوع لباس پوشیدن، نشانه‌ها و علائم، شعائر و جشن‌ها و داستان‌ها قرار دارند.

۲- سطح زیربنایی یا ارزشهای اصولی و زیربنایی که عبارتند از: ارزش‌های اصولی، باورها و اعتقادات، نگرش‌ها و احساسات و فرآیندهای اندیشیدن که پدیدآورنده فرهنگ واقعی هستند (دفت، ۱۳۷۵)

از نظر هافستد، تفاوت‌های فرهنگی خود را به طرق گوناگونی نشان می‌دهند. از میان اصطلاحات گوناگونی که برای نشان دادن فرهنگ به کار برده می‌شوند، چهار مفهوم قابل تمیز هستند: نمادها (سمبل‌ها و الگوها)، قهرمانان و شخصیتها، شعائر و مناسک، و ارزشها که این چهار نشانگر مانند پوسته‌های متداخل یک پیاز هستند، که در آن نمادها بیرونی‌ترین و ارزشها درونی‌ترین تجلیات یک فرهنگ به حساب می‌آیند.

در این مدل، بیرونی‌ترین سطح را نمادها و الگوها تشکیل می‌دهند که عبارت از کلمات، ژست‌ها، تصاویر، اشیای فرهنگی، کلمات زبان (ملی و تخصصی)، شیوه‌ی لباس پوشیدن، پرچم‌ها، نمادهای موقعیتی و ... بوده و حامل معنای خاصی هستند که تنها به وسیله آنانی که متعلق به آن فرهنگ هستند قابل درک است. در این سطح، پدیده‌های تازه به صورت نمادهای جدید به آسانی ایجاد شده و نمادهای کهنه ناپدید می‌شوند. سطح بعدی را قهرمانان تشکیل می‌دهند که افرادی هستند زنده یا مرده، واقعی یا خیالی با مشخصاتی که در یک فرهنگ به شدت مورد تحسین بوده و در واقع مدل‌های رفتاری یک فرهنگ را تشکیل می‌دهند. مناسک و شعائر^(۱) که در سطح بعدی قرار می‌گیرند، فعالیت‌های جمعی هستند که اگر چه از نظر فنی در رسیدن به مقاصد مطلوب زاید به نظر می‌رسند، اما از نظر اجتماعی در محدوده یک فرهنگ، اساسی و مهم هستند. نمادها، قهرمانان و شعائر را می‌توان تحت عنوان اعمال^(۲) دسته‌بندی کرد، اما هسته فرهنگ به وسیله ارزش‌ها شکل می‌گیرد. (Hofstede 1997:7)

از دکتر مسعود موحدی، با تلخیص و تصرف

1- Rituals

2 - Practices